

رفیق محمد غلامی

رفیق محمد در سال 1340 در خانواده ای کارگری به دنیا آمد. به خاطر درآمد کم پدر که راننده کارخانه ایران دوچرخ بود، از دوران ابتدائی تحصیل تمام تعطیلات تابستانی را به کار آهنگری و جوش کاری پرداخت و بدین ترتیب در محیط کار و زندگی با چهره سیاه و زشت فقر و تحقیر و لگدمال شدگی ارزش های انسانی آشنا شد. خشم انقلابی رفیق از ارزش های وارونه جامعه طبقاتی، همدردی و عشق بی کرانش به انسان های زجر کشیده و دردمند، او را به دنبال آگاهی از علل اِدبار و بدبختی اکثریت جامعه از جمله خود، خانواده و نزدیکانش کشاند. و این عاملی گشت که وی در سنین تحصیل در دبیرستان با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شود و اولین فعالیت های مبارزاتی را از همان جا آغاز کند. جریان شکوفائی مبارزاتی رفیق با گسترش مبارزات انقلابی توده ها علیه شاه همزمان گشت و وی همراه با امواج خروشان انقلاب برای براندازی حکومت ننگین پادشاهی به خیابان گام نهاد و با تمام قوا در قیام شکوهمند بهمن 57 شرکت جست. پس از استقرار رژیم ولایت فقیه به عنوان بی کار در مبارزات بی کاران قزوین شرکت نمود. در آنجا با مواضع " راه کارگر" آشنا شد و به صفوف سازمان پيوست. رفیق محمد با دنیائی از شور و شوق مبارزاتی کار با سازمان ما را آغاز نمود. شور و شوقی نشأت گرفته از نفرت نسبت به استثمار و ستم طبقاتی و آمیخته با آگاهی انقلابی به مارکسیسم - لنینیسم به عنوان مشعل راه نمای رهائی کارگران و کلیه استثمار شوندهگان از هر گونه ستم و استثمار.

رفیق مدتی کار تبلیغات انقلابی و توزیع نشریات سازمان را به عهده گرفت و به همین دلیل دستگیر و به دو ماه زندان محکوم شد. پس از آزادی دوباره به فعالیت پرداخت. در دورل سربازی نیز یک بار در قزوین بازداشت شد که در همان روز آزاد گردید. اما مزدوران رژیم اسلامی که متوجه تداوم فعالیت انقلابی رفیق در سازمان ما شده بودند، او را مجدداً در روز عاشورای سال 1360 دستگیر کرده و در 20 آبان همان سال به جوخه اعدام سپردند. اگر چه رفیق محمد دیگر در میان ما نیست، اما خشم و

کینه انقلابی وی نسبت به بهره‌کشی و استثمار و عشق بی‌کرانش به انسان‌ها و ارزش‌های انسانی در سینه میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش و نوجوان ستم‌کشیده که در زیر فشار چرخ کار کارگاه‌ها و کارخانه‌های جنوب شهر له می‌شوند و در سینه هزاران رزمنده پوینده راه او، راه سرخ پرولتاریا می‌جوشد.